

تهدیدات سیاسی امنیت ملی از دیدگاه امام خمینی (ره)

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۳/۵

تاریخ تأیید: ۱۳۸۹/۴/۱۸

علی کریمی مله / اکبر بابایی* / کاوه امیرخانی**

چکیده

این مقاله، عوامل تهدید و آسیب‌پذیری سیاسی امنیت ملی از دیدگاه امام خمینی (ره) را مورد بررسی قرار می‌دهد. احصای گونه‌های مختلف تهدیدات سیاسی که از نظر امام (ره) متوجه امنیت ملی و مراجع گوناگون آن است، نشان می‌دهد برداشت ایشان با رویکرد سنتی، فاصله بعید و بر عکس، با رویکرد مدرن و نرم‌افزاری قرابت زیادی دارد، زیرا امام (ره) برای منابع تهدیدات داخلی اهمیتی بیش از منابع خارجی تهدید قائل هستند و گونه‌های تهدید را منحصر در تهاجم نظامی خارجی نمی‌دانند، بلکه با تکیه بر نقش دین و مردم در قوام یا زوال امنیت ملی، تشتت و ناستواری داخلی، فاصله گرفتن از اسلام، مشارکت‌ناپذیری مردم، بیگانگی‌گرایی و وابستگی فکری مراکز تولید اندیشه و انشقاق گروه‌های مرجع را از مهم‌ترین عوامل تهدید سیاسی امنیت ملی به شمار می‌روند.

کلیدواژه‌ها: امنیت ملی، امام خمینی (ره)، تهدید، آسیب‌پذیری، رویکرد نرم‌افزاری

* دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه مازندران

** کارشناس ارشد و پژوهشگر مسائل سیاسی

*** دانشجوی دکتری مدیریت استراتژیک دانشگاه عالی دفاع ملی

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال سیزدهم • شماره سوم • پاییز ۱۳۸۹ • شماره مسلسل ۴۹

مقدمه

امام خمینی(ره)، یکی از اثرگذارترین شخصیت‌های ربع آخر قرن بیستم است که شعاع اندیشه و کردارش نه فقط بر ایران و جغرافیای تشیع، بلکه گستره جهان اسلام و استضعاف تأثیر گذارده و به‌رغم گذشت حدود دو دهه از رحلت ایشان، هنوز در محافل فکری بحث در باره خاستگاه، مختصات و پیامدهای آرا و رفتار وی، موضوعی درخور توجه است.

از جمله موضوعاتی که نسبت آن با اندیشه امام خمینی(ره) حائز اهمیت است، مسأله «امنیت ملی» است. این موضوع، خود پرسش‌های چندی را برمی‌انگیزد. از قبیل اینکه، نسبت آرای امنیتی امام با اندیشه‌های اصولی، فقهی و کلامی وی چیست؟ بنیادهای هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی شکل‌دهنده منظومه آرای امنیتی امام(ره)، چه عناصری هستند؟ مهم‌ترین زمینه‌ها و بسترهای سیاسی - اجتماعی تکوین آرای امنیتی ایشان کدامند؟ بارزترین وجوه و ویژگی‌های رفتار امنیتی امام خمینی(ره) چیست؟ و بسیاری از پرسش‌های مشابه که این نوشته، بدانها پاسخ نمی‌گوید بلکه در صدد است بدین پرسش اصلی پاسخ دهد که مهمترین عوامل و مؤلفه‌های تهدید امنیت ملی در دیدگاه امام خمینی(ره) کدامند؟ سؤالات فرعی دیگری نیز مد نظر این مقاله است، مثل اینکه مهمترین مختصات رویکردهای سستی و مدرن امنیت ملی چیست؟ و دیدگاه امام(ره) با کدامیک از این رویکردها قرابت بیشتری دارد؟ فرضیه پژوهش چنین است که منظومه آرای امنیتی امام خمینی(ره) نشان می‌دهد رویکرد ایشان با رویکرد مدرن و نرم افزاری قرابت دارد.

بنا به ماهیت موضوع، روش تحقیق برای گردآوری داده‌های لازم به منظور آزمون فرضیه روش تحلیل محتوی انتخاب گردید، زیرا تحلیل محتوی، یکی از فنون و روش‌های تحقیق است که برای توصیف عینی، منظم و کمی محتوای آشکار ارتباطات به کار می‌رود(باردن، ۱۳۷۳: ۳۵) و یا عبارت است از مرحله‌ای از جمع‌آوری اطلاعات که در آن، محتوای ارتباطات از طریق به‌کارگیری عینی و منتظم قواعد مقوله‌بندی به اطلاعاتی که می‌توانند خلاصه و با هم مقایسه شوند، تغییر شکل می‌یابد(هولستی، ۱۳۷۳: ۱۳).

بدین‌منظور، از بین متون عرفانی و فلسفی، اصولی و فقهی و متون سیاسی - اجتماعی، دسته اخیر که خود شامل کتب کشف‌الاسرار، ولایت فقیه یا حکومت اسلامی، شوون و

اختیارات ولی فقیه و صحیفه نور می‌شود، کتاب صحیفه نور به عنوان مرجع اصلی انتخاب گردید. این کتاب ۲۲ جلدی که مجموعه بیانیه‌ها، پیام‌ها، فرمان‌ها، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های سیاسی - اجتماعی و فرهنگی امام (ره) را شامل می‌شود، متضمن آرا و دیدگاه‌های ایشان درباره مسایل انقلاب و نظام اسلامی ایران، از جمله آرا و رویکرد امنیت ملی ایشان است. پس از گزینش مرجع اصلی گردآوری داده‌ها، واحد مناسب تحلیل که همان عبارات و گزاره‌های مندرج در مرجع اصلی تحقیق بود، انتخاب شد. سپس، با مطالعه کل متن به صورت استقرای کامل، گزاره‌هایی که متضمن کلیدواژه‌هایی مانند امنیت ملی و مراجع متعدد امنیت مثل دولت، نظام سیاسی، جامعه، فرد و جهان بوده‌اند و گزاره‌های متضمن عوامل تهدیدزا مثل تهدید و آسیب‌پذیری، ضعف، شکست، ضربه‌پذیری، فرسایش، زوال، هلاکت و مانند آنها استخراج گردید و چند گزاره، برای شاهد مثال، در متن مورد استناد قرار گرفته و به صورت کیفی مورد تحلیل واقع شده است.

برای پاسخ‌گویی به پرسش تحقیق، مقاله پس از مقدمه، به اجمال چارچوب مفهومی امنیت ملی و تهدید را بیان می‌کند و ضمن مرور رویکردهای امنیت ملی، سرانجام، عوامل تهدید سیاسی امنیت ملی را از نگاه امام (ره)، واکاوی می‌نماید و با نتیجه‌گیری به پایان می‌رسد.

الف. مفهوم شناسی امنیت ملی و تهدید

مفهوم امنیت ملی، به رغم قدمت و کاربرد فزاینده‌اش در ادبیات روابط بین‌الملل، همچنان توسعه‌نیافته، مبهم، نارسا، ماهیتاً جدال‌برانگیز و متباین و متناقض است (تاجیک، ۱۳۸۱: ۳۷)؛ به طوری که برخی مانند شولتز معتقدند به دلیل ماهیت همین ویژگی‌ها، تلاش برای تعریف عام و جهان شمول این مفهوم به نتیجه دقیقی نمی‌رسد. آرنولد ولفرز^۱ با کاربرد صفت «نماد مبهم»^۲ در باره آن، از فقدان هر گونه معنای دقیقی از آن سخن می‌گوید و دیگری آن را مفهومی «نارسا» و باری بوزان آن را مفهومی توسعه‌نیافته معرفی کرده است (۱۳۷۸: ۱۵-۳۰). به رغم درستی این اوصاف، به خاطر الزامات روش‌شناختی، تعریف عملیاتی^۳ آن لازم است که به

1. Arnold Wolfers
2. Ambiguous Symbole
3. Operational definition

دلیل وجود ادبیات غنی از تعاریف مفهومی، فقط به بیان تعریف برگزیده این مفهوم که ملهم از تعاریف صاحب نظران گوناگون است، بسنده می شود:

«امنیت ملی عبارت است از توانایی جامعه برای حفاظت و صیانت از موجودیت فیزیکی، زیستی و معیشتی، فرهنگی و ارزشی مردم، سرزمین و نظام سیاسی و ارتقا و بهینه سازی آن و دستیابی به اهداف و منافع ملی در دوران جنگ و صلح، در قبال تهدیدات بالقوه و بالفعل داخلی و خارجی».

از تعریف فوق، چنین برمی آید که امنیت ملی، واجد ابعاد دوگانه سلبی و ایجابی است. در بُعد سلبی به نفی، دفع، رفع و تقلیل تهدیدات و آسیب پذیری ها و در بُعد ایجابی، به ارتقا و بهینه سازی وضعیت زیست جوامع از نظر اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و نظامی دلالت دارد. به علاوه، متأثر از رویکرد نرم افزاری و مدرن - که مورد بحث قرار خواهد گرفت - تهدیدات صرفاً از ماهیت نظامی برخوردار نبوده و منبث از محیط خارجی نیستند، بلکه اشکال مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی نیز به خود می گیرند و گاهی ریشه در محیط داخلی نیز دارند.

پیش از تعریف تهدید، باید گفت که به دلیل به هم پیوستگی ذاتی مفاهیم امنیت و تهدید، شناسه های ذهنیت پروردگی^۱، زمینه وندی، نسبت و سیالیت مفهوم امنیت، به مفهوم تهدید نیز تسری می یابد. بنابراین، تعریف تهدید و احصای مصادیق و سنجش شدت آن، مشمول ناهمگونی، نسبت، سیالیت، زمینه محوری و ذهنیت پروردگی می شود. به رغم این اوصاف، برای ایضاح اذهان مخاطبان، ارائه تعریفی مفهومی از تهدید ضروری است.

ریچارد اولمان در تعریف تهدید می نویسد: «تهدید نسبت به امنیت ملی عبارت از عمل یا پیامد یک سلسله از حوادث است که یا طی زمانی کم و بیش کوتاه، کیفیت زندگی ساکنان کشور را مورد چالش قرار دهد و یا گزینه ها و دامنه اختیار فراروی حکومت، دولت یا کنش گران غیر حکومتی را به شدت محدود کرده و آنها را در تنگنا قرار دهد» (افتخاری، ۱۳۸۱: ۴۹).

در تعریفی دیگر آمده است که تهدید امنیت ملی عبارت است از توانایی‌ها، نیات و اقدامات دشمنان بالفعل و بالقوه (داخلی و خارجی) برای ممانعت از دستیابی موفقیت‌آمیز خودی به علایق و مقاصد امنیت ملی یا مداخله، به نحوی که نیل به این علایق و مقاصد به خطر بیفتد (تاجیک، ۱۳۸۱: ۵۲).

در مجموع، می‌توان تهدید امنیت ملی را چنین تعریف کرد: «تهدید بر ضد امنیت ملی عبارت است از شرایط، فعالیت‌ها، مقاصد و مقدرات بالفعل و بالقوه کنش‌گران داخلی و خارجی که با تضییق و تقلیل توانایی ابتکار عمل بازیگران خودی، موجب تحدید یا ناکامی در دستیابی به اهداف، منافع و مقاصد ملی آنان می‌شوند».

از نظر متدولوژیک، برآورد هر رخداد یا نیت به عنوان تهدید بر ضد امنیت ملی، امری دلبخواهی نیست، بلکه تابع ضابطه معینی است. البته، تعیین این ضوابط همانند تعریف امنیت و تهدید، مشمول تفاوت آرای صاحب‌نظران است. به دیگر سخن، ضابطه احصای تهدیدات امنیتی، ترجمان برداشت بازیگران سیاسی از ترکیب تهدیدات و آسیب‌پذیری‌هاست و کمیت و کیفیت تهدیدات یا آسیب‌پذیری‌هاست که متغیری را امنیتی، کمتر امنیتی یا غیر امنیتی می‌نمایاند. بازی بوزان، با اذعان به مشکل بودن تشخیص تهدیدات جدی از لحاظ امنیت ملی، معتقد است تهدیدات امنیت ملی را باید از تهدیدهای روزمره‌ای که حاصل کارکردهای عادی زندگی در جو رقابت‌آمیز بین‌المللی یا اختلافات و تعارضات عادی گروه‌های سیاسی - اجتماعی در صحنه داخلی است، تفکیک کرد. با توجه به ضرورت تعریف امنیت در محیط رقابت‌آمیز موجود، به راحتی نمی‌توان گفت همه تهدیدات، مسائل امنیت ملی هستند. تفاوت بین چالش‌های عادی و تهدیدات ملی باید از طیف گسترده تهدیدات که از موارد روزمره تا تهدیدات جدی ولی عادی و بالاخره، تهدیدات شدید و بی‌سابقه را شامل می‌شوند، استخراج گردد. به نظر بوزان، اینکه دقیقاً کدام نقطه این طیف را باید به عنوان آغاز مسأله امنیت ملی دانست، بیشتر از حقیقت امر به حالت انتخاب سیاسی مربوط می‌شود. ماهیت سیاسی این انتخاب به تهدیدات و آسیب‌پذیری‌هایی که دولت و جامعه با آن روبروست، بستگی دارد.

وی با برقراری رابطه بین میزان انسجام اجتماعی و سیاسی دولت‌ها و تقسیم‌بندی آنها به دولت‌های ضعیف - دارای انسجام سیاسی و اجتماعی کم - و دولت‌های قوی - برخوردار از

انسجام سیاسی و اجتماعی زیاد - و گستره تهدیدات، معتقد است قرارداد شاخص امنیت ملی در مقیاس بسیار پایین، باعث پریشانی، اتلاف منابع، سیاست‌های تجاوزکارانه و اختلال جدی در حیات سیاسی داخلی می‌شود. در عین حال، قرارداد شاخص مزبور در نقطه بسیار بالا، خطر عدم آمادگی برای مقابله با تهاجمات شدید و مهم را در پی خواهد داشت (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۴۰ - ۱۳۹).

آزر و مون نیز ضمن تأکید بر ماهیت تهدیدات به عنوان ضابطه احصای تهدید امنیت ملی، معتقدند بسط ایده امنیت به نحوی که به طور دقیق ابعاد چندگانه آن را مشخص سازد، الزاماً بایستی ماهیت پیچیده تهدیدات مرتبط با این ابعاد را در برگیرد. همانند ارزش، خود تهدیدات نیز بسیار پیچیده و مبهم می‌باشند و به نحوه ادراک مرتبطند. منبع، نوع و سطح تهدید، عمدتاً بستگی به موقعیت دارد و منعکس‌کننده داوری ذهنی رهبری سیاسی است (۱۳۷۹: ۳۷۱).

ماندل با برقراری رابطه بین احساس امنیت و ماهیت و نوع تغییر، بر این باور است که به طور کلی، چنانچه تغییر تدریجی و تکاملی باشد و از داخل ناشی شود و به طور مستقیم متوجه بقا یا راه و روش بنیادی زندگی نباشد، غیرتهدیدآمیز و مشروع است. برعکس، موقعی که تغییر گسترده، سریع و ناشی از خارج بوده یا به طور مستقیم متوجه بقا و موجودیت یا روش زندگی باشد به احتمال بیشتری، تهدیدآمیز و نامشروع به نظر می‌رسد (۱۳۷۷: ۴۵-۴۴).

با الهام از رویکرد دیتریش فیشر^۱ می‌توان گفت اگر اولاً رخداد یا پیامد آن متوجه بقا و موجودیت ارگانیک، فرهنگی، اعتقادی و هویتی یا بقای رژیم سیاسی - حکومت - و یا دولت باشد و از گستره و فراگیری لازم و اعتبار و اهمیت مناسب نزد رهبران سیاسی و مردم برخوردار باشد، تهدید محسوب شده و در دستور کار مدیریت امنیت ملی قرار می‌گیرد. به عنوان مثال، رشد تمایلات واگرایانه نیروهای گریز از مرکز^۲ که انسجام اجتماعی را تهدید می‌کند یا اقدام و مقاصد گروه‌های برانداز که بقای رژیم را هدف قرار می‌دهد و یا تجاوز خارجی که موجودیت دولت و وحدت و تمامیت سرزمین را نشانه می‌رود، تهدید نسبت به امنیت ملی قلمداد می‌شود (1993:131).

به منظور تسهیل درک، می‌توان ضوابط یادشده را به شرح زیر نشان داد:

1. Ditrich Fisher
2. centrifugal forces

درجه اعتبار نزد الیت و توده‌ها × شدت و عمق × گستره فراگیری تهدید = تهدید امنیت

ملی

بی‌با برو و استیو چن نیز برای تشخیص موضوعات امنیت ملی، سه شاخص را مورد توجه قرار داده‌اند: «اهمیت» برخی اقدامات یا «احتمال» بروز آن و یا «قدرت و نفوذ» یا «قابلیت کنترل» که مدیران بر کسانی دارند که قادرند عمل مربوطه را انجام دهند یا از انجام آن امتناع ورزند. از این منظر، ترس و تهدید امنیت ملی، زمانی شدت می‌یابد که میزان اهمیت و احتمال آن زیاد و قدرت نفوذ و کنترل و کارگردانی آن رخداد، اندک باشد و برعکس، آرامش در عرصه امنیت ملی، هنگامی مستقر می‌شود که شرایط معکوس باشد (آزر و مون، ۱۳۷۹: ۷۲).

ب. رویکردهای مختلف درباره امنیت ملی

مفهوم امنیت ملی، به دلیل زمانمند بودن، در گذر زمان، دستخوش دگرگونی‌های عمده‌ای گردید و از نظر افقی و عمودی، توسعه یافت. از نظر افقی، برداشتی از آن که فقط بر مسایل امنیتی غرب متمرکز و فاقد کاربرد در محیط امنیتی کشورهای جهان سوم بود، مورد انتقاد جدی امنیت‌پژوهان واقع گردید. از نظر عمودی نیز، تحت تأثیر تحولات ساختاری جهان، افزایش تعداد کشورهای مستقل جهان سوم و مواجهه آنان با مشکلات و پیچیدگی‌های ویژه امنیتی، تشدید وابستگی متقابل کشورها و در نتیجه، گسترش مسائل و مشکلات جهانی که امنیت کره زمین را تهدید می‌کرد، توسعه مفهومی امنیت که فراتر از امنیت سنتی و با رهایی از تقلیل‌گرایی^۱ نظامی‌گرایانه، به ابعاد دیگر آن نیز پردازد، ضروری شد و بدین ترتیب، دیدگاه‌هی بسط یافت که متمایز از رویکرد سنتی بود. این قسمت از نوشتار به رویکردهای عمده امنیت ملی و مؤلفه‌های عمده هر یک اشاره دارد.

۱. رویکرد سنتی امنیت ملی

رویکرد سنتی یا کلاسیک که بدان رویکرد سخت‌افزاری نیز می‌گویند، برخاسته از مکتب واقع‌گرایی سیاسی است که سیاست را به مثابه جنگ قدرت می‌پندارد و از نظر تاریخی با الهام از نظام دولت - ملت، به نقش مسلط دولت ملی اعتقاد دارد و آن را عامل اصلی تأمین امنیت می‌شمارد. به طور اجمالی، شناسه‌های این رویکرد به شرح زیر است:

یک. غرب‌محوری^۱: به رغم اینکه، پس از جنگ دوم جهانی، جنگ‌هایی بین کشورها در درون یا بین کشورهای جهان سوم رخ داد، اما تحلیل اکثریت امنیت‌پژوهان مانند والتز، کار، گیلپین و لوی^۲، خاستگاه غربی داشته و شرایط امنیتی کشورهای غربی را مأخذ تحلیل خود قرار می‌دادند و با این نگاه، راهبردهای امنیتی را تجویز می‌کردند که اساساً با شرایط کشورهای جهان سوم نامطبق بود. غرب‌محوری مطالعات امنیتی با دو نارسایی مواجه بود: اولاً، موجب می‌شد امنیت‌پژوهان در تحلیل شرایط امنیتی جهان سوم به خطا و انحراف روند و ثانیاً، قابلیت تعمیم برداشت سنتی غرب‌محور، به مسایل امنیتی جهان سوم، از حیث متدولوژیک و محتوایی، در معرض تردید بود.

دو. برون‌پنداری خاستگاه تهدیدات امنیتی: در رویکرد کلاسیک، تهدیدات امنیتی ملی خاستگاه برون‌مرزی داشته و تهدیدات فقط از ناحیه کشور یا کشورهای دیگر، استقلال و تمامیت ارضی کشور ما را هدف قرار می‌دهد.

سه. نظامی‌گرایی: در رویکرد سخت‌افزاری، بر نظامی‌گرایی در دو بعد تأکید ویژه می‌شود: نخست اینکه، تهدیدات خارجی چهره نظامی دارد و با تجاوز و حمله نظامی و فیزیکی علیه کشور دیگر شکل می‌گیرد و دوم اینکه، راه مقابله نیز پاسخ نظامی و توسل به زور در اشکال مختلف اتحادیه‌گرایی، توازن قوا و مانند آن است.

به اعتقاد ایوب، هیچ یک از شناسه‌های یادشده، بر شرایط امنیتی کشورهای جهان سوم قابل تطبیق نیست، زیرا رویکرد برون‌گرایانه امنیت‌پژوهان غربی که به دنبال شناسایی تهدیدات

1. west-centrism
2. Levy

بیرونی نسبت به امنیت ملی هستند، برای کشورهای جهان سوم که بیشتر با مشکلات، تنگناها و تهدیدات داخلی روبرو هستند، نارسا و غیرقابل کاربرد است (Ayoob, 1995:6).

با توجه به چنین انتقاداتی نسبت به رویکرد سنتی از یک سو و تحولات مختلف در نظام بین‌الملل از سوی دیگر، از قبیل ظهور بازیگران فراملی^۱ و فراملی^۲ که انحصار بازیگری دولت را به چالش طلبید، تحولات تکنولوژیک، جابه‌جایی در عناصر قدرت و اهمیت یابی نقش عوامل اقتصادی و علمی در مؤلفه‌های قدرت ملی کشورها، وقوع انقلاب اطلاعات و ارتباطات که باعث تشدید وابستگی متقابل کشورها و جهانی‌شدن بسیاری از مسائل امنیتی گردید، همگی در تغییر محیط امنیتی جهان تأثیر بسزایی گذاشت، به گونه‌ای که تعریف امنیت و ناامنی، تهدیدات و فرصت‌ها، سازوکارهای امنیت‌زایی و امنیت‌زدایی، متحول شده و هریک تعریف و مصادیق تازه‌ای یافته‌اند. علاوه بر آن، طیف جدیدی از تهدیدات غیرنظامی با گسترده جهانی پدید آمد که رفع برخی از آنها نیازمند تلاشی فراتر از اراده و توان یک دولت است.

رابرت ماندل در این زمینه معتقد است: «تغییرات عصر جدید، مهم، اساسی و آنقدر گسترده است که ضرورت شدید ارزیابی الگوهای در حال ظهور و ارائه افکار جدید را مطرح ساخته، زیرا بسیاری از مطالعات و نظریه‌پردازی‌های دوران جنگ سرد، اکنون بی‌معنی و فاقد کارایی، کوتاه‌بینانه، عقب‌مانده و حتی نامربوط به نظر می‌رسند. دوران کنونی به خاطر مسائل زیر با گذشته فرق دارد:

- اهمیت زیاد بازیگران سیاسی فراملی فراملی
 - گسترش شبکه پیچیده وابستگی متقابل اقتصادی، همراه با گونه‌ای ستایش جهانی نسبت به اصول سرمایه‌داری و دموکراسی
 - افزایش فشارها بر محیط طبیعی و منابع کشورهای فقیر و غنی
 - انتشار تکنولوژی پیشرفته نظامی بین کشورها
- بنابراین ما به ساختن مفاهیم جدیدی از امنیت ملی نیازمندیم، زیرا تئوریهای امنیتی موجود نمی‌توانند از عهده‌تیین تحولات آن برآیند» (۱۳۷۷: ۱۸-۱۶).

1. sub-national
2. supra-national

۲. رویکرد نرم‌افزاری و نوین به امنیت ملی

برخلاف رویکرد کلاسیک که بر خاستگاه خارجی تهدیدات و ماهیت صرفاً نظامی آن تأکید داشت، در برداشت نرم‌افزاری، ضمن توجه به بعد نظامی، بر نقش عوامل داخلی، شامل عوامل اقتصادی، زیست‌محیطی، علم و دانایی، کارآمدی و توان سیاست‌سازی، روابط دولت و ملت (مشروعیات سیاسی)، توان یکپارچه‌سازی (ملت‌سازی)^۱ تأکید می‌شود.

باری بوزان، از جمله جدی‌ترین امنیت‌پژوهانی است که بر ضرورت تفسیر گسترده امنیت صحنه می‌گذارد. به نظر وی، افزایش شدت روابط در سیستم بین‌المللی، موجب کنش و واکنش شدیدی میان اعضای آن و تشدید وابستگی متقابل بین آنان شده است. ارتباط بین ساختارهای پراکنده سیاسی از یک طرف و موج فزاینده فعالیت‌های متقابل بخش‌های مختلف از طرف دیگر، سرنوشت‌های مشترکی ایجاد کرده و به وابستگی متقابل امنیتی در گستره وسیعی از مسایل منتهی شده است. در چنین شرایطی، دیدگاه‌های محدود از امنیت ملی و استراتژی‌های آن به تدریج نامطلوب می‌شوند. افزایش شدت روابط باعث تغییر چهره تهدیدات و آسیب‌پذیری‌هایی شده است که مسأله امنیت را تعیین می‌کنند.

بوزان با بیان اینکه هدف از مفهوم گسترده امنیت، کاهش گرایش نظامی از طریق تعمیم دستور کار امنیت به سایر بخش‌هاست، با احصای مصادیق تهدیدات نوین غیرنظامی مثل مسأله بدهی جهانی، تورم، کمبود سرمایه و کشمکش‌های تجاری، ضعف و ناکارآمدی، بالآآمدن سطح آب دریاها و غیره، نتیجه می‌گیرد که دیدگاه گسترده امنیت باید حاوی ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نیز نظامی باشد (۱۳۸۱: ۴۰۷ - ۴۰۴).

رابرت ماندل نیز ضمن تصریح ضرورت گسترش مفهومی امنیت، مصادیقی از تهدیدات مثل خشونت داخلی، تهدیدات فراملی و فروملی، شیوع بیماری‌های ایدز، قاچاق مواد مخدر، بدهی بین‌المللی، رکود اقتصادی، انفجار شدید جمعیت، آلودگی محیط زیست و شکاف روزافزون بین فقیر و غنی و غیره را شمارش کرده است. بنابراین، ملاحظات وی چهار بعد عمده امنیت را به صورت ابعاد نظامی، اقتصادی، منابع - محیطی و سیاسی - فرهنگی از یکدیگر بازشناسی نموده و روابط متقابل هر یک از ابعاد را مورد توجه قرار داده است (۱۳۷۷: ۸۳-۸۰).

به اعتقاد آزر و مون، به جای تأکید کورکورانه بر محیط امنیتی و سخت‌افزار، لازم است به وجه نرم‌افزار مدیریت امنیتی شامل چارچوب سیاست و توان سیاست‌سازی نیز توجه شود. به نظر آنان، مشروعیت، یکپارچگی و توان سیاست‌سازی، اجزای مفیدتر تشکیل‌دهنده نرم‌افزار مدیریت امنیتی می‌باشند.

مطابق نظر آنان، این متغیرها به طور خاص، برای چارچوب امنیت ملی جهان سوم، متغیرهای مناسب و ذی‌ربطی می‌باشند. مشروعیت، چارچوب سیاست کلان سیستم مدیریت امنیتی ملی را شکل می‌دهد و از این‌رو، بخش جدایی‌ناپذیر نرم‌افزار تلقی می‌شود. از طرف دیگر مسأله یکپارچگی، زیربنای اجتماعی و فرهنگی هر سیستم مدیریت امنیتی را تشکیل می‌دهد. هم‌صورتبندی علایق ملی و هم‌مکانیسم کلی نرم‌افزاری، با توجه به میزان یکپارچگی مشروط می‌گردد. ناکامی در یکپارچه‌ساختن گروه‌های اجتماعی گوناگون و تبدیل‌شان به نیروی سیاسی متحد، تهدیدات جدید امنیتی را به همراه داشته، زیرساخت‌های کلان را چند پاره ساخته و توان سیاست‌سازی را تضعیف می‌کند. علاوه بر دو متغیر فوق، توانایی سیاست‌سازی، هسته محرکه شیوه‌ها و محتویات عملیاتی آن را تشکیل می‌دهد و با تعیین ابعاد و دامنه عملکرد داخلی و خارجی، سیستم مدیریت امنیتی را هدایت می‌کند (۱۳۷۹: ۱۱۶ - ۷۸).

از مجموع دیدگاه‌ها و مطالعات امنیت‌پژوهان مدرن و نرم‌افزارگرا، چنین استنباط می‌شود که رویکرد مدرن و نرم‌افزاری امنیت ملی، از مختصات زیر برخوردار است:

۱. خاستگاه تهدیدات امنیت ملی، اغلب داخلی است که علل متعدد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، حقوقی و غیره دارد. البته، تأکید بر درون‌زوابودن تهدیدات، هیچگاه به منزله نادیده‌انگاری تهدیدات خارجی نیست، بلکه بدین مفهوم است که تهدیدات فقط واجد ریشه‌های خارجی نیست، بلکه تهدیدات، چندبعدی^۱ تصور می‌شوند.

۲. رویکرد نرم‌افزاری با نفی دولت - مرکزی^۲، امنیت‌سازی و امینت‌زدایی را ناشی از نقش‌آفرینی بازیگران مختلف شامل بازیگران فرادولتی و فرودولتی می‌داند.

1. multidimensional
2. state-centrism

۳. تهدیدات چندبعدی امنیتی، فقط با سخت‌افزار نظامی قابل دفع نیست، بلکه به تناسب نوع و ماهیت تهدیدات، راهبردها، سازوکارها و ابزارهای خاص و ویژه‌ای را می‌طلبد. برای مثال، تهدید ناشی از بحران مشروعیت سیاسی یا فقدان یکپارچگی اجتماعی و نیز تهدید ناشی از تخریب محیط زیست، هیچ‌گاه با روش‌های سخت‌افزاری نظامی قابل حل نیست. اینک پس از بیان مباحث مقدماتی، تهدیدات سیاسی امنیت ملی را از دیدگاه امام خمینی (ره) بررسی می‌نماییم.

ج. امام خمینی (ره) و تهدیدات سیاسی امنیت ملی

همان‌طور که گفته شد، این نوشتار بر شناسایی عوامل آسیب‌زا و تهدیدآفرین نسبت به امنیت ملی از نگاه امام خمینی (ره) تمرکز می‌کند. مطابق رویکرد نرم‌افزاری، آسیب‌ها و تهدیدات امنیت ملی همانند خود آن، متنوع و چندوجهی است و امام (ره) نیز بدین موضوع توجه داشتند.

با مرور گفته‌های ایشان، می‌توان مهم‌ترین تهدیدات امنیت ملی را به شرح زیر تقسیم‌بندی نمود: تهدیدات سیاسی، تهدیدات اقتصادی، تهدیدات نظامی و تهدیدات فرهنگی - اجتماعی. تهدیدات سیاسی امنیت ملی در بینش و نگرش امام خمینی (ره)، از زوایای گوناگون قابل تقسیم‌بندی است. از زاویه خاستگاه و منشأ تکوین می‌توان آنها را به داخلی یا درون‌زا و خارجی یا برون‌زا تقسیم نمود. از زاویه دیگر، تهدیدات سیاسی یا منبعث از بینش و نگرش مسئولین و کارگزاران نظام سیاسی و یا مردم است و یا حاصل منش و رفتار آنان که طبیعی است هر یک از آنها تدابیر و سیاست امنیتی ویژه‌ای را طلب می‌کند؛ اگرچه نمی‌توان انکار نمود که بینش‌ها، آفریننده رفتارها و جهت دهنده منش‌ها هستند و هر بینش بر منش و رفتار ویژه‌ای دلالت می‌کند. با این توضیحات، انواع تهدیدات سیاسی امنیت ملی از نگاه امام خمینی (ره) به شرح زیر دسته‌بندی می‌شود:

۱. وابستگی کارگزاران به شرق و غرب

التزام کارگزاران و دولتمردان به نظام سیاسی و وفاداری به آرمان‌ها و حمایت و تبلیغ اعتقادی و آگاهانه سیاست‌های آن، شرط دولتمردی متعهدانه و از جمله عوامل پایداری و استواری نظام و تأمین‌کننده امنیت آن می‌باشد. تحقق این شرط در نظام‌های ایدئولوژیک و آرمان‌گرا ضرورتی مضاعف است. در این نظام‌ها، هرگونه غفلت، سهل‌انگاری، کم‌اعتنایی به اصول و مبانی نظام و متقابلاً، علاقه‌ورزی به دولت‌ها و ارزش‌های نظام‌های متخاصم از سوی دولتمردان، عاملی مؤثر برای رخنه در ارکان امنیت آن محسوب می‌شود که مستلزم هوشمندی و مذاقه پیشینی در فرایند استخدام و گزینش سیاسی^۱ و به کارگماری انسان‌های سیاسی^۲ مطلوب نظام سیاسی و مراقبت همیشگی پسینی بعد از انتصاب و اشتغال به خدمت در خصوص ترجیحات سیاسی و سویه‌های رفتاری آنان است. در چنین نظام‌هایی، نهایت دقت در گزینش کارگزاران، به ویژه مدیران عالی‌رتبه نظام سیاسی اعمال می‌گردد تا بدون کمترین انحراف از موازین و آرمان‌های آن، همواره چهره انسان‌های ملتزم به نظام را به نمایش بگذارند. به همین دلیل است که امام خمینی(ره)، از جمله راه‌های پیشینی تأمین امنیت ملی در نظام انقلابی ایران را مصون‌سازی و ایمنی‌بخشی آن از تصاحب مناصب اجرایی، سیاست‌گذاری و تقنینی به وسیله دلبستگان و وابستگان به دولت‌های خارجی یا همان بیگانگان بومی‌زاد می‌دانستند که با ظاهری انقلابی و اسلامی، ولی به طور نیابتی از طرف قدرت‌های متخاصم به ایفای نقش می‌پردازند. ایشان با تأکید فراوان به ویژگی تعهد، آرمان‌گرایی و مکتبی‌بودن کارگزاران، علاوه بر داشتن تخصص و کاردانی، سعی در تهدیدزدایی پیشینی از امنیت ملی نظام انقلابی داشتند و در همین رابطه بیان داشتند:

«این اشخاص که انقلابی نیستند باید در رأس وزارتخانه‌ها نباشند» (صحیفه نور، ج ۱۳: ۵۱).

«مردم را توجه بدهید به اینکه شما می‌خواهید اسلام را حفظ کنید. باید منتخبین شما اشخاصی باشند که توجه به اسلام داشته باشند، متعهد به اسلام باشند، بازیگر نباشند، به شرق و غرب توجه نداشته باشند» (صحیفه نور، ج ۱۸: ۳۳۵).

1. political recruitment
2. political man

«در دانشگاه نقشه آن است که جوانان را از فرهنگ و ادب و ارزش‌های خودی منحرف کنند و به سوی شرق یا غرب بکشانند و دولتمردان را از بین اینان انتخاب و بر سرنوشت کشور ما حکومت کنند» (وصیتنامه، ۱۳۳۸: ۴۰ - ۳۹).

۲. حکومت بر بدن‌ها نه قلب‌ها

امروزه، از جمله شاخص‌های امنیت نرم‌افزاری، توانایی تبدیل روش حکمرانی از قدرت‌ورزی و اجبارگری، به اقتدار و افزایش ضریب مشروعیت نظام سیاسی است. روش حکمرانی مبتنی بر اقتدار، پذیرش ارادی نظام از سوی شهروندان و کسب مشروعیت توده‌ای و جلب حمایت همیشگی آنان را موجب می‌شود که در مواقع بروز تهدیدات امنیتی، به مثابه پتانسیل دفاعی و قبل از بروز آن، با قابلیت بازدارندگی بالایی ایفای نقش می‌کند. از این‌رو، امام(ره) که تجربه حکمرانی جبارانه و بیگانه‌گرایی رژیم پهلوی را با عمق وجود لمس کرده بود، حکومت بر جسم که تجلی قدرت‌ورزی است را عامل ناامنی و تهدید و متقابلاً، حکومت بر دل‌ها را که حاکی از اقتدار و مشروعیت رژیم و کارگزاران آن است، عامل امنیت معرفی نموده و اظهار داشتند:

«حکومت بر قلوب یک حکومت شیرین است، برخلاف حکومت بر ابدان که قلوب با آنها نباشد» (صحیفه نور، ج ۱۴: ۱۷۹).

۳. کاخ‌نشینی و رفاه‌زدگی مسئولین

شکاف طبقاتی و فاصله سطح زندگی بین مسئولین نظام اسلامی و توده مردم، رفاه‌زدگی و تجمل‌گرایی آنان از منظر امام خمینی(ره)، واجد کارکرد ضد امنیتی است، زیرا این شکاف به شائبه امتیازطلبی و رانت‌خواری، سوءاستفاده از قدرت سیاسی برای جلب ثروت مادی، فاصله‌گرفتن از سیره صالحان، مخصوصاً معصومین (ع) و تشدید شکاف بین حاکمیت و توده‌ها در ذهنیت مردم، دامن زده و باعث فرسایش اعتماد عمومی به مثابه سرمایه مهم اجتماعی می‌شود. اشاعه این ذهنیت در جامعه در درازمدت، موجبات دلزدگی و انفعال مردم در قبال حاکمیت را فراهم نموده و با محروم‌سازی حاکمیت از پشتوانه مردمی، امنیت آن را در

برابر هر گونه تهدیدی، آسیب‌پذیر می‌کند. به همین دلیل است که امام خمینی (ره)، با تأسی از توصیه امیرالمؤمنین (ع) به والیان اسلامی، مسئولین نظام اسلامی (مبشری، ۱۳۷۵: ۸۳۹) را به ساده‌زیستی، تجمل‌گریزی و تداوم زندگی توده‌وار کوخ‌نشینی دعوت نمودند و گفتند:

«بترسید که اگر خدای نخواستہ یک وقت این قضیه پیش آمد و شما از مردمی بودن بیرون رفتید و یک وضع دیگری پیدا کردید و خیال کردید حالایی که من نخست‌وزیر، رئیس جمهور، وزیر کذا هستم باید چه وجه باشم، آن وقت بدانید که آسیب می‌بینید، آن وقت است که خارجی‌ها به شما طمع می‌کنند» (صحیفه نور، ج ۱۶: ۲۶۵).

«آن روزی که مجلسیان خوی کاخ‌نشینی پیدا کنند، خدای نخواستہ و از این خوی ارزنده کوخ‌نشینی بیرون بروند آن روز است که ما برای این کشور باید فاتحه بخوانیم» (صحیفه نور، ج ۱۷: ۳۷۶).

۴. بی‌تفاوتی سیاسی، انفعال و کاهش حضور مردم در انتخابات

مشارکت آگاهانه و همیشگی توده‌های مردم در فرایندهای سیاسی، ضامن امنیت ملی و عامل پایداری آن به شمار می‌رود و هرگونه هدف‌گذاری، سیاست و برنامه که منجر به انفعال سیاسی، یأس و بی‌اعتمادی توده‌ها شود، اقدامی تهدیدزا به نظر می‌آید. به نظر امام (ره)، پس از اسلام‌گرایی حکومت، اصلی‌ترین رکن امنیت ملی مردم‌اند. آنان از دو سو با امنیت ربط می‌یابند. از یک سو، مرجع اصلی امنیت شناخته شده و هر سیاستی باید بر تأمین مصلحت و رضایت آنان استوار گردد و از سوی دیگر، ابزار و عامل تأمین امنیت به شمار می‌روند و بدون حضور مردم، حتی قدرتمندترین حکومت‌ها از ایمنی پایدار برخوردار نیستند. اهمیت کارکرد امنیت‌سازی مشارکت مردم، زمانی آشکار می‌شود که در تحلیل امام خمینی (ره)، مشارکت مردم نشانگاه مقبولیت نظام دینی و حمایت آنان از قرائت انقلابی اسلام ارزیابی می‌شود و متقابلاً، عدم مشارکت سیاسی به معنای رویگردانی و نارضایتی از اسلام، انقلاب و نظام خواهد بود. ایشان در همین رابطه بیان داشتند:

«مردم هم خودشان مکلفند به اینکه هم شرکت کنند در انتخابات. نروند کنار، تکلیف است حفظ اسلام است رفتن کنار خلاف تکلیف است، خلاف مصالح اسلام است» (صحیفه نور، ج ۱۸: ۲۸۶).

«چنانچه سطح رأیتان از زمان سابق ... کمتر بشود، بوق‌های تبلیغاتی خارج و شکست‌خورده‌های فراری به خارج خواهند گفت که ایران از اسلام رو برگردانده و از جمهوری اسلامی رو برگردانده است و این تبلیغ در همه جا خواهد شد و این ممکن است در دنیا پایه‌های جمهوری را سست کند» (صحیفه نور، ج ۱۵: ۲۶۱).

«ما اگر نظارت نکنیم؛ یعنی ملت اگر نظارت نکند در امور دولت و مجلس و همه چیز اگر کنار بروند، بسپارند دست اینها و بروند مشغول کارهایشان بشوند، ممکن است یک وقت به تباهی بکشد» (صحیفه نور، ج ۱۵: ۱۷).

۵. دوگانگی گفتار و کردار مسئولین

سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی منبعث از آن، یکسان‌انگاری حاکمیت با مردم و کاهش فاصله اجتماعی و شکاف سیاسی بین آنان، نقش بسزایی در تحصیل امنیت ملی دارد. این سرمایه، ریشه در عوامل متعدد دارد که از جمله مهمترین آنها، باورمندی به انطباق گفتار و رفتار حاکمان است. اگر توده‌ها تطابق قول و فعل نخبگان سیاسی و هم‌نوایی و مردم‌وارگی آنان را با عمق وجود خویش باور نمایند و نخبگان را از خود و در خدمت منافع خویش بپندارند، سرمایه تسخیرناپذیر امنیتی برای نظام فراهم می‌آورند که در خطرترین شرایط ناامنی، بیشترین ضریب امنیت را مهیا خواهد نمود، اما دوگانه‌پنداری گفتار و کردار مسئولین نظام، موجب ضعف و زوال اعتماد عمومی و رقیق‌تر شدن لایه‌ها و سپر امنیتی نظام خواهد شد. از این‌رو، امام (ره) تناقض قول و فعل مسئولین نظام را مضر به حال کشور و عامل ناامنی ساخت قدرت قلمداد نموده و گفتند:

«ما هر چه فریاد بزنیم که ما اسلامی هستیم و جمهوری اسلامی هستیم، لکن وقتی ببینید ما را که در عمل - غیر او هستیم از ما دیگر باور نمی‌کنند» (صحیفه نور، ج ۱۳: ۴۸۸).

۶. تضعیف ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی

نگاه ارگانیک امام (ره) به اجزای حکومت، دلالت می‌کند که امنیت نظام مرهون کارکرد مناسب و بهنگام اجزای آن از یک سو و حمایت کامل بخش‌های مختلف از یکدیگر و پشتیبانی تمام‌عیار مردم از آنهاست. متقابلاً، ناکارآمدی، موازی‌کاری و عدم اهتمام به منطق تقسیم کار، موجب هرزرفتن انرژی نظام، بازماندن آن از دستیابی به اهداف تعیین‌شده، ناکارآمدی و اختلال در فرایند امنیت‌یابی آن می‌شود. از این‌رو، امام (ره)، بارها مخاطرات امنیت‌زدای چنین رفتارها و سیاست‌هایی را گوشزد نمودند:

«شما باید توجه داشته باشید که هر قشری از یک کشور تضعیف بشود، هر شخصی که در یک کشور مسئول کاری است، تضعیف بشود، هر ارگانی که در این کشور مشغول خدمت هست تضعیف بشود. این تضعیف تضعیف همه هست و این انتحار است» (صحیفه نور، ج ۱۴: ۵۱).

۷. اجتناب از انحصارگرایی صنفی در مسایل سیاسی

در رویکرد امنیت ملی امام (ره)، مردم از جایگاه ممتازی برخوردارند. از یک سو، عامل بنیادین تأمین امنیت ملی هستند و از سوی دیگر، مرجع امنیت ملی که باید هم نظام مصروف تحقق مطالبات، تأمین رضایتمندی و تمهید مشارکت گسترده آنان در مسایل سیاسی و اجتماعی بشود. بنابراین، هرگونه سیاستی که نتیجه‌اش به حاشیه رانی مردم و منزوی‌ساختن آنان بر مبنای تمایزات سنی، صنفی، قومی، نژادی، طبقاتی، جنسیتی و غیره و یا ناشی از رهیافتی اریستوکراتیک و الیستی یا عوام‌انگاری توده‌ها و اعتقاد به عدم اهلیت آنان برای مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی باشد و سیاست‌ورزی را حق انحصاری طیف خاصی از برگزیدگان و رهبران و صنف و قشر خاصی مثل روحانیت قلمداد نماید، اقدامی بر ضد امنیت ملی ارزیابی می‌شود. از این‌رو، امام (ره) با نفی انحصارگرایی صنفی در مسایل سیاسی که مشارکت در آن را حق ویژه و انحصاری روحانیت می‌داند، فرمود:

«آن وقت شیطنت این بود که سیاست از مذهب خارج است و بسیار ضرر به ما زدند و ما بسیار ضرر خوردیم و آنها هم بسیار نفع بردند. این مطلب شکست خورده.

حالا می‌گویند که سیاست حق مجتهدین است، یعنی در امور سیاسی در ایران پانصد نفر دخالت کنند. باقی‌شان بروند سراغ کارشان. یعنی مردم بروند سراغ کارشان هیچ کار به مسائل اجتماعی نداشته باشند و چند نفر پیرمرد و ملا بیایند دخالت بکنند. این از آن توطئه سابق بدتر است برای ایران» (صحیفه نور، ج ۱۸: ۳۶۸).

۸. تفاوت بین رأی توده‌ها با رأی خواص و نخبگان

مشارکت‌پذیری پویا و با بصیرت مردم در امور سیاسی و اجتماعی، عامل مقوم امنیت ملی و مشارکت‌ناپذیری، انفعال و انزواگزینی آنان، موجب تهدید امنیت ملی است و امام(ره)، در سپهر اندیشه خویش، بارها خسارت‌های ناشی از یأس و انفعال مردم و اهداف توطئه‌آمیز شگردهای بیگانگان و عوامل داخلی آنان برای مأیوس کردن مردم را مورد توجه قرار دادند. از جمله تاکتیک‌های نیل به این هدف نامیمون، تبلیغ ایده تبعیض و نابرابری آرای توده‌ها با نخبگان و خواص است که طبق نظر امام(ره)، توطئه‌ای روزآمد است که در تداوم توطئه انحرافی گذشته مبنی بر ترغیب عدم مداخله روحانیون و نخبگان فکری و دینی در سیاست، در صدد القای انحراف جدید مبنی بر درجه‌بندی شهروندان و تمایزبخشی بین آرای توده‌ها و خواص و نخبگان است. از دیدگاه امام(ره)، نتیجه این انحراف، دلسردی مردم و انفعال آنان است که همانا تهدید امنیت ملی است. ایشان در این خصوص بیان داشتند:

«هیچ کس در انتخابات بر دیگری مقدم نیست، همه افراد ملت یک جور هستند در انتخابات. یعنی همان آدمی که یک کار کوچکی انجام می‌دهد با آن کسی که در رأس همه امور هست، در باب انتخابات هیچ با هم فرقی ندارند. این یک رأی دارد آن هم یک رأی دارد» (صحیفه نور، ج ۱۸: ۳۸۰).

۹. بی‌ثباتی سیاسی و اختلافات داخلی

رمز تأمین امنیت ملی و تثبیت نظام، همگی مرهون نهادینه‌شدن ثبات و آرامش سیاسی در داخل است تا نظام سیاسی بتواند در پرتو ثبات و زیست سیاسی مسالمت‌آمیز بین گروه‌ها و نگرش‌های سیاسی متفاوت، اهدافش را تعقیب نموده و از اتلاف بیهوده توان ملی اجتناب کند

و در پرتو وفاق و همزیستی سیاسی و اجتماعی و در محیطی ایمن و وفاق‌گرا، اهدافش را تعقیب و بسط داده و بدین وسیله، رضایت شهروندان را تحصیل کند و برعکس، نظام بی‌بهره از ثبات نظام‌مند و انسجام‌گرایانه و مشحون از ناهمسازی و تفرقه داخلی، بستر مساعدی برای رویش و رشد عوامل امنیت‌زدا فراهم می‌آورد.

البته، این گزاره، بدین معنی نیست که نظام سیاسی موفق از منظر امام (ره) باید به سوی یکسان‌سازی دیدگاه‌ها و حذف هرگونه اختلاف نظر حرکت نماید، بلکه بدین مفهوم است که ضمن پذیرش تفاوت آرا و اختلاف دیدگاه‌ها که امری طبیعی و حتی برای پویایی و شکوفایی نظام سیاسی ضروری است، از تبدیل تفاوت به تعارض و اختلاف سلیقه به تفاوت عقیده که مایه منازعه داخلی خواهد شد، پرهیز گردد. نظر به تهدیدآفرینی بی‌ثباتی و اختلافات داخلی است که امام (ره) بیان داشتند:

«آمریکا و شوروی برای تضعیف اسلام و دولت‌های اسلامی مشغول ... تفرقه‌افکنی و ایجاد تشنجات داخلی به دست عمال مزدور یا فریب‌خورده و برافروختن جنگ بین کشورها و دیگر شیوه‌های استعماری هستند» (صحیفه نور، ج ۱۸: ۱۴۶).

«مطمئن باشید که این اختلاف بین گروه‌های متعدد با اینکه حسن نیت دارند. به جایی می‌رسد که یک وقت خدای نخواسته بین دو گروه متعهد در سرتاسر کشور مخالفت بیفتد و یک وقت منتهی بشود به جنگ مسلحانه و دشمنان شما از خدا می‌خواهند که بین شما یک همچون چیزهایی واقع بشود» (صحیفه نور، ج ۱۵: ۳۶۸).

مخاصمه و انشقاق نیروهای سیاسی در هر سطحی، کارکرد ضدامنیتی دارد، اما خصومت‌ورزی و ناهمزیستی بین نخبگان ابزاری و مدیران ارشد و سران نظام از راه تسری اختلافات به توده‌های مردم و تشدید شکاف‌ها و صف‌بندی نیروهای سیاسی، آثار سلبی مضاعفی برخلاف مصالح و امنیت ملی از خود به جای می‌گذارد. از این‌رو امام خمینی (ره) بارها پیامدهای سوء امنیتی اختلاف و شکاف بین سران نظام را گوشزد نموده و گفتند:

«من باز تأکید می‌کنم که اگر سران باهم خوب باشند این کشور صدمه نمی‌بیند. و اگر

صدمه‌ای این کشور ببیند از اختلاف سران است» (صحیفه نور، ج ۱۸: ۳۸).

«این طور باشد که منعکس بشود ما یک ملتی هستیم که در عین حالی که مبتلا به دشمنان هستیم، خودمان به جان هم ریختیم و خودمان مشغولیم به اینکه با هم اختلاف داشته باشیم همه دامن بزنییم به اختلافات، این همان است که آنها از خدا می‌خواهند در دنیا منعکس بشود یک ملتی هستند که قییم لازم دارند. خودشان نمی‌توانند خودشان را اداره کنند. باید یک قیمی بیاید آنها را اداره کند. این را مشروع کند در خارج و بعد به واسطه مشروعیت این، وارد بشوند ... می‌گویند ما دیدیم که این مملکت دارد از بین می‌رود، برای انسان دوستی و برای خیرخواهی آمدیم اینجا که اینها را اداره بکنیم» (صحیفه نور، ج ۱۴: ۱۷۵).

«آن روزی ما از بین خواهیم رفت که این دست‌ها از بین هم بیرون برود این به او بد بگوید او به او بد بگوید او اشکال به او کند، او اشکال به او بکند» (صحیفه نور، ج ۱۷: ۳۸۲).

۱۰. کناره‌گیری، ضعف و تضعیف روحانیت

اگر چه در اندیشه امام(ره)، از یک سو، تضعیف نهادهای حکومتی واجد پیامدهای ضد امنیتی است و از سوی دیگر، صنف‌گرایی در مدار باورهای امام(ره) نیز جایی ندارد، اما از نظر توجه راهبردی به گروههای مرجع و نقش ممتاز آنها در راهبری جامعه، نهاد روحانیت در مرکز توجه ایشان قرار می‌گیرد. از نظر ایشان، این نهاد به عنوان مهمترین گروه مرجع که در آگاهی‌بخشی، سازماندهی و بسیج مردم و رهبری انقلاب نقش بی‌بدیلی داشته، باید از گزند تضعیف مصونیت یابد، زیرا ضعف یا تضعیف نهاد روحانیت که علاوه بر نقش رهبری انقلاب، نمایندگی تبیین مسائل دینی را نیز برعهده دارد، تهدیدات جدی را همزمان متوجه کیان نظام و هستی دین می‌کند.

بی‌تردید، تذکر امام(ره) مبنی بر حفظ مرجعیت و تداوم منزلت و اعتبار روحانیت، ناشی از تعلق صنفی و وحدت شأنی نیست، بلکه به دلیل جایگاه روحانیت، به منزله کانون رویش و خیزش انقلاب و راهبری سیاست‌های نظام صادر شده است. امام(ره)، ضمن اینکه نسبت به مخاطرات نیازدگی، قدرت، کارآمدی و رکود روحانیت هشدار می‌دهد و بیش و پیش از هر

کسی، خود روحانیت را به پویایی فکری و سلامت اخلاقی فرامی‌خواند، اما از توطئه‌ها و برنامه‌ریزی‌های دولت‌های متخاصم و عناصر ضد انقلاب برای حذف و تضعیف روحانیت نیز غفلت ننموده و بیان داشتند:

«تا اسلام تضعیف نشود، روحانیت تضعیف نشود، از بین نرود، نمی‌توانند اینها کارهایشان را بکنند و لهذا از اولی که رضاخان آمد به سرکار تا آخر در صدد این بودند» (صحیفه نور، ج ۱۶: ۱۲۲).

«تمام قشرهای ملت توجه بکنند که جریان‌هایی در کار است که روحانین را در چشم مردم یک نحو دیگری جلوه بدهند و مردم را از روحانیت جدا کنند و دانشگاه را از روحانین جدا کنند و مقاصد خودشان را انجام بدهند» (صحیفه نور، ج ۱۴: ۱۸۷).

«چنانچه همه ما، همه شماها، همه ملت و خصوصاً روحانیت و خطبا در صحنه نباشیم و حاضر نباشیم، در قضایایی که می‌گذرد مطمئن باشید که با عدم حضور شما به سر انقلاب آن خواهد آمد ولو حالا در درازمدت هم باشد که بر سر مشروطه آمد» (صحیفه نور، ج ۱۵: ۳۲۹).

۱۱. آسیب‌رساندن به انقلاب با استفاده از نیروهای داخلی

در اندیشه امنیتی امام خمینی (ره)، همانطور که اولویت و اولیت نقش مردم در تأمین امنیت ملی و مرجعیت آن انکارناپذیر بوده و آرامش و یکپارچگی سیاسی در کلیه سطوح، کارکرد امنیت‌سازی دارد، اولویت این مرجع در تضعیف و شکنندگی بنیادهای امنیت ملی نظام نیز غیرقابل انکار است و اساساً از دیدگاه امام (ره)، تنها و جدی‌ترین تهدید امنیت ملی نظام جمهوری اسلامی، فاقد خاستگاه صرفاً خارجی و ناشی از تهاجم و تجاوز نظامی یا اعمال فشارهای دیپلماتیک و سیاسی یا تحریم، مجازات و ایجاد تنگناهای اقتصادی است.

از این منظر، خاستگاه اصلی تهدیدات امنیت ملی داخلی بوده و از کج‌اندیشی، بدفهمی یا نادرست‌کرداری مردم و نخبگان و اختلاف و تفرقه بین آنها سرچشمه می‌گیرد. به عبارت دیگر، اگر تهدیدات خارجی بر بستر محیط مساعد داخلی استقرار نیابد و از سوی بی‌ثباتی سیاسی، ناکارآمدی دولتمردان و تشتت بین نیروهای داخلی پشتیبانی نگردد، هیچگاه توانایی نامن‌سازی جامعه را نخواهد داشت و متقابلاً محیط داخلی برخوردار از وفاق عمومی، انسجام

ملی و کارآمدی و مشروعیت، توانایی تهدیدزدایی از سپهر جامعه در برابر جدی‌ترین تهدیدات نسبت به منافع حیاتی کشور را خواهد داشت. بنا به چنین اهمیتی است که امام خمینی (ره) بیان کردند:

«آمریکا نه دخالت نظامی می‌کند در ایران و نه حصر اقتصادی می‌تواند بکند. توطئه آمریکا این است که در داخل خود کشور ما کاری بکند که ما نتوانیم این راهی را که رفتیم برویم. توطئه داخلی و به دست اشخاصی که در داخل کشور هستند و از کارکنان آنها هستند» (صحیفه نور، ج ۱۲: ۷۵).

«از خارج نترسید تا داخل یک آسیبی نبینید - از خارج نباید ترسید. از داخل بترسید» (صحیفه نور، ج ۱۲: ۹۵).

۱۲. قانون‌گزینی

امنیت ملی به عنوان متغیر تابع، محصول عوامل عدیده از جمله استحکام ساختار، عقلانیت رفتار و روزآمدی و کارآمدی هنجارها و سیاست‌های امنیتی واقع‌بینانه می‌باشد و در این میان، نقش هنجارها در تأمین امنیت ملی حائز اهمیت زیادی است. چون هنجارها با تعیین وظایف، تنظیم روابط و ترسیم الگوهای رفتاری بایسته، کنش‌گران سیاسی - اجتماعی در آفرینش محیطی باثبات و منضبط نقش و تحصیل و تقویت امنیت ملی، نقش به‌سزایی ایفا می‌کند. بر عکس، قانون‌گزینی به نابسامانی و بی‌انضباطی اجتماعی، از هم گسیختگی نظم و نسق عمومی، بروز اختلاف و در نهایت، ناستواری داخلی می‌انجامد. نظر به اهمیت هنجارمندی و قانون‌گرایی و متقابلاً، آثار مخرب قانون‌گزینی و قانون‌ستیزی در تهدید امنیت ملی است که امام (ره) گفتند:

«همه‌تان روی مرز قانون عمل نکنید. اگر همه روی مرز قانون عمل بکنید اختلاف دیگر پیش نمی‌آید» (صحیفه نور، ج ۱۴: ۳۷۸).

۱۳. خوش بینی به ابرقدرت‌ها

زیست موفق و عزتمند در جهانی که عدم اطمینان^۱ از شناسه‌های بارز آن است، مستلزم فهم قواعد بازی حاکم بر روابط و سیاست جهانی، تدوین راهبردها و اعمال سیاست‌های عقلانی امنیت ملی و رفتار هوشمندانه امنیتی در فضای نامطمئن و سیال جهانی است. چنین درک و رفتاری، در مقام مدیریت امنیت ملی کشور، ضامن تحقق امنیت ملی است و ناهمگی یا کج‌فهمی قواعد و منطق بازی در سیاست بین‌المللی یا خوش‌بینی نسبت به سیاست‌ها و مواضع اعلامی و عدم تمییز بین مواضع اعلامی و مقاصد و سیاست‌های اعمالی، خطر فریب‌خوردگی در رفتارهای امنیتی را در پی داشته و از این زاویه، خسارت‌های جدی متوجه امنیت ملی کشور خواهد شد. از این‌رو، دوری از واقع‌نگری و غفلت از فهم پارادایم فکری و رفتاری حاکم بر مناسبات بین‌المللی، و بر عکس، اتکا و خوش‌بینی مفرط نسبت به مقاصد و مواضع اعلامی ابرقدرت‌ها، به منزله یکی از تهدیدات سیاسی امنیت ملی مورد توجه حضرت امام (ره) قرار گرفته است. ایشان با اشاره بدین نکته بیان داشتند:

«ملت‌های مسلمان باید اصل را بر دشمن و فریب ابرقدرت‌ها با خود بگذارند، مگر اینکه خلاف عینی و عملی آن را مشاهده و لمس و باور نمایند» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۸).

۱۴. دولت آمریکا

عوامل و کنش‌گران محیط داخلی و خارجی، به طور توأمان در تقویت و تضعیف امنیت ملی اثرگذارند و هرچه حوزه اطلاق قدرت ملی بازیگر وسیع‌تر بوده و در سلسله‌مراتب ساختار قدرت جهانی از جایگاه هژمونیک و فرادستی برخوردار باشد، اثرات ایجابی و سلبی آن بر امنیت ملی سایر واحدهای سیاسی بیشتر خواهد بود. ایالات متحده آمریکا در نسبت با ایران، در چند جهت از چنین نقشی برخوردار بوده و هست. البته، این گزاره هیچگاه به معنی صحه گذاشتن بر یکجانبه‌گرایی، زورمداری و هیمنه‌طلبی جهانی این کشور نیست، بلکه اشاره به سیاست‌های خصمانه و مانع‌تراشی در قبال ایران در پهنه جهانی است که به رویارویی سیاست‌ها و منافع دو کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی انجامیده است.

1. uncertainty

ایران از مقطع پیروزی انقلاب اسلامی، از جهت استراتژیک و ژئوپولیتیک، با برهم زدن الگوی مطلوب منطقه‌ای آمریکا، منافع آن را در معرض مخاطره قرار داده و از جهت ایدئولوژیک نیز در برابر حاکمیت بلامنازع ایدئولوژی لیبرالیسم سیاسی و کاپیتالیسم اقتصادی، منادی ارائه ایدئولوژی رقیب یعنی اسلام سیاسی و صدور آموزه‌های انقلابی به جهان اسلام و استضعاف شده و از جهت سیاسی نیز با پایان‌بخشیدن به حضور و همینه چندین‌ساله بر ایران، نویدبخش الگوی دولتی مستقل، مردم‌سالار و دین‌گرا شد. بدیهی است با توجه به پیامدهای سیاسی، اقتصادی، استراتژیک و امنیتی و سویه‌های ایدئولوژیک و الگوهای رفتاری ایران، ایالات متحده تلاش کرد از تمام ظرفیت‌های خود و متحدینش برای ناکامی و تضعیف ایران استفاده نموده و خصمانه‌ترین، فوری‌ترین و شدیدترین ضریب تهدید امنیتی از محیط بیرونی را متوجه ایران نماید. به همین دلیل، در میان کنش‌گران خارجی تهدیدزا برای امنیت ملی ایران در اندیشه امنیتی امام(ره)، نقش آمریکا طراز اول و بی‌بدیل می‌نماید که با اتخاذ روش‌های گوناگون سخت‌افزاری و نرم‌افزاری سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و اجتماعی و با بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌ها، از بدو رخداد انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، در صدد تحقق منافع و تعقیب سیاست‌های خود بوده است. بدیهی است که این نقش خصومت‌جویانه دائمی از سوی ایالات متحده، امام(ره) را وادارد تا رفتارهای امنیت‌سوز این کشور را در متن اندیشه امنیتی خود قرار دهد. با اشاره به این واقعیت، امام(ره) بیان داشتند:

«دولت آمریکا به عنوان قدرتمندترین کشورهای جهان برای بیشتر بلعیدن ذخایر مادی کشورهای تحت سلطه از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کند. آمریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است» (صحیفه نور، ج ۱۳: ۲۱).

«جاسوسان تحت عنوان مأموران سفارت فعالیت می‌کردند و اکنون که ملت این حقیقت را دریافته، آمریکا را دشمن شماره یک خود می‌شناسد» (صحیفه نور، ج ۱۲: ۳۴).

۱۵. سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی

فلسفه اصلی تشکیل سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی، تأمین امنیت و صلح بین‌المللی از طریق ارتقای سطح همکاری‌ها، مدیریت جمعی مشکلات زیست‌بوم بشری، تحقق منافع مشترک اعضا و دفاع از حقوق شهروندان و دولت‌های مورد تجاوز می‌باشد، اما چنانچه این سازمان‌ها با برخوردهای گزینشی^۱ و جانبدارانه سیاسی، ویژگی ابزارشدگی^۲ قدرت‌های ذی‌نفوذ را پیدا کنند، خود به سازوکار تهدید امنیت ملی آنها مبدل خواهند شد. امام خمینی (ره) نیز پس از مطالعه تاریخ تصمیمات و سیاست‌های اعلامی و اعمالی این سازمان‌ها و تجربه حضوری رفتار آنان در قبال جمهوری اسلامی ایران، بر خصلت ابزارشدگی و رفتار گزینشی آنان صحنه گذاشته و ضمن نفی فایده آنها برای ثبات و امنیت جهانی گفتند:

«اصلاً مجامع بین‌المللی لفظی است در خدمت قدرت‌های بزرگ نه به خدمت مظلومین و محرومین» (صحیفه نور، ج ۱۸: ۴۸).

«دنیا امروز گرفتار جهانخواران و غارتگرانی است که کشورها را به آتش می‌کشند و غارت می‌کنند و نیز گرفتار وابستگان آنان است که منافع ملت‌ها و کشورهای خود را فدای منافع ابرقدرت‌ها می‌کنند و همچنین، گرفتار سازمان‌های دست‌نشانده قدرت‌های بزرگ، به ویژه آمریکاست که با اسم بی‌محتوای شورای امنیت و عفو بین‌المللی و حقوق بشر و از این قبیل مفاهیم بی‌محتوا که به قدرت‌های بزرگ خدمت می‌کنند و در حقیقت مجری احکام و مقاصد آنان و مأمور محکوم‌نمودن مستضعفان و مظلومان جهان به نفع قدرت‌های بزرگ جهانخوار هستند» (صحیفه نور، ج ۱۷: ۳۰۶).

1. selective
2. instrumentalized

نتیجه گیری

مذاقه در عوامل تهدید امنیت ملی در آرای امام خمینی (ره) نشان می‌دهد رویکرد ایشان در مسأله امنیت ملی نه با رویکرد کلاسیک و سنتی بلکه با مدرن و نرم‌افزاری قرابت دارد، زیرا وی تهدیدات را چندلایه و مرکب و از نظر خاستگاه نه فقط ریشه‌دار در محیط خارجی با صبغه نظامی، بلکه بیشتر نهفته در محیط داخلی به تصویر می‌کشد.

در همین راستا، در رویکرد امام (ره)، نقش منابع داخلی تهدید امنیت ملی، آن هم از سنخ تهدیدات نرم‌افزاری، مقدم بر منابع و عوامل خارجی تهدیدات ارزیابی می‌گردد و متقابلاً، برخورداری نظام سیاسی از عوامل داخلی مقوم امنیت ملی، آن را در برابر هرگونه صدمه و تهدید خارجی از جنس سخت‌افزاری مصونیت می‌بخشد و بر عکس، وجود ریشه‌ها و زمینه‌های تهدیدات داخلی، از هر گونه تهدیدات خارجی برای امنیت ملی خسارت‌بارتر محسوب می‌شود.

در رویکرد امنیت ملی امام خمینی (ره)، دو رکن دین و مردم، هم امنیت‌زا تلقی شده و هم اصلی‌ترین آماج تهدید ارزیابی می‌شوند و ضمن اینکه، نقش عوامل قوام‌بخش یا تضعیف‌کننده امنیت ملی در نسبتشان با دین مورد سنجش و داوری قرار می‌گیرد، مردم از سهمی کلیدی برخوردارند، زیرا هرگونه فاصله‌گرفتن نظام سیاسی، کارگزاران و مردم با اسلام و عدم حضور آگاهانه مردم در عرصه تعیین سرنوشت، یأس، انفعال و حاشیه‌نشین کردن آنان و تشتت و اختلاف بین آنان، مهمترین تهدید امنیت ملی هستند.

منابع

- آزر، ادوارد. ای و مون، چونگ این (۱۳۷۹): *امنیت ملی در جهان سوم*، ترجمه ناشر، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- افتخاری، اصغر (ترجمه و گردآوری) (۱۳۸۱): *مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- باردن، لورنس (۱۳۷۳): *تحلیل محتوا*، ترجمه ملیحه یمنی سرخابی و محمد آشتیانی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- بوزان، باری (۱۳۷۸): *مردم، دولت‌ها و هراس*، ترجمه ناشر، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۱): *مقدمه‌ای بر استراتژی‌های امنیت ملی؛ ج اول: رهیافت‌ها و راهبردها*، تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸): *صحیفه نور*، تمام مجلدات، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کریمی، علی (۱۳۸۳): «تأملی معرفت‌شناسانه در مسأله امنیت ملی از نگاه امام خمینی (ره)»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفتم، شماره ۲۶.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۷): *چهره متغیر امنیت ملی*، ترجمه ناشر، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- هولستی، ال. آر (۱۳۷۳): *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی*، ترجمه نادر سالارزاده امیری، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- Ayoob, Mohammad (1995); *The Third World Security Predicament, State Making, Regional Conflict and the International*, London: Lynn Rienner Publishers.
- FISCHER, Dietrich (1993); *Nonmilitary Aspects of Security: A Systems Approach*, Dartmouth: UNIDIR.

